



محسن وطنی

غروب جمعه که می‌شه، دلم از غصه می‌گیره
ماهی کوچیک قلبم توی تنگ خون می‌میره

✱

کاش می‌شد غروب جمعه توی جمکرون
بشینم

اون قدر دعا بخونم تا که آقامو ببینم

✱

یه غروب جمعه آخر می‌یاد از تو آسمونا
مردم فقیر دنیا جمع می‌شن رو پشت بونا

✱

آقا بارون محبت روی دستاشون می‌یاره
دل آدم گرفته واسه شون شادی می‌یاره

✱

مگه می‌شه رو مناره صحبت اخون نباشه؟
باورم نمی‌شه آقام توی جمکرون نباشه...

ایزد تبارک و تعالی به کمال قدرت و حکمت
عالم را بیافرید، و آدمیان را به فضل و منت
خویش به مزیت عقل و رجحان خرد از دیگر
جانوران ممیز گردانید؛ زیرا که عقل بر
اطلاق کلید خیرات و پای بند سعادات است،
و مصالح معاش و معاد و دوستکامی دنیا و
رستگاری آخرت بدو بازسته است. و آن دو
نوع است: غریزی که ایزد جل جلاله ارزانی
دارد، و مکتسب که از روی تجارب حاصل
آید.

و غریزی در مردم به منزلت آتش است در
چوب، و چنانکه ظهور آن بی ادوات آتش
زدن ممکن نباشد اثر این بی تجربیت و
ممارست هم ظاهر نشد، و حکما گفته‌اند که
«التجارب لقاح العقول». و هر که از فیض
آسمانی و عقل غریزی بهره‌مند شد و بر
کسب هنر مواظبت نمود و در تجارب
متقدمان تأمل عاقلانه واجب دید آرزوهای
دنیا پیاید و در آخرت نیک‌بخت خیزد.

از مقدمه کلیله و دمنه اثر نصرالله منشی





دشمن دیرینه انسان

اصغر عرفان

دام سخت است مگر یار شود لطف خدا
ورنه آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم^۱
«ایا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که
شیطان را نپرستید؛ که او بر شما دشمنی
آشکار است»^۲

دشمنی شیطان با انسان پیشینه‌ای به قدمت
حیات آدمی دارد؛ از آن هنگام که او در
سجده بر ابوالبشر مردود امر رب شد، سوگند
خورد که تمامی بندگان، مگر مخلصان را که
در سلطه پروردگارند، همراه کند.^۳ شیطان با
افسون و تزویر و با اغوا و تزئین به ضلالت
آدمی می‌کوشد. آن کس که در ذهن و
زندگی و در اندیشه و عمل در راهی گام
گذارد که شیطان می‌خواهد، در تور ناپیدایش
گرفتار شده و بنده بی‌خبره اوست. دام‌های
شیطان رنگارنگ است و گوناگون؛ نه از صید
عالم می‌ترسد و نه به خلوت زاهد ترحم
می‌کند. گاه به کمند فرد می‌نشیند و گاه به
صید جمع، ولی در همه حال، ابتدا در فکر و
روح انسان‌ها خانه می‌کند و قدم به قدم
نقشه تسخیر و تسلط می‌کشد. تفرقه و
اختلاف نیز از دام‌های شیطان برای امت
اسلام است. او با همراهی جنود ابلیسی ابتدا
به دل‌ها نفوذ می‌کند. سپس زبان‌ها را به
جدال و دشمنی آواز می‌دهد و آن‌گاه
آسوده‌خاطر، حاصل نزاع را انتظار می‌کشد.
خداوند متعال که مکر و نیرنگ شیطان را
پیوسته هشدار داده است، می‌فرماید:

به بندگانم بگو: سخنی بگویند که بهترین
باشد؛ چراکه شیطان میان آنها فتنه و فساد
می‌کند. شیطان همیشه دشمن آشکاری
برای انسان بوده است.^۴

پی‌نوشت‌ها

۱. حافظ.

۲. یس: ۶۰.

۳. ص: ۸۲.

۴. اسراء: ۵۳.



بریده باد دست‌هایم!

سیدعلی حسینی‌ایمنی

خدای من! در فراز و نشیب‌های زندگی‌ام، از
اطرافیانم جز نیکی ندیده‌ام و جز طعم
احسان نچشیده‌ام؛ ولی از سرشت بدم نه
فقط از آنها احساس شرمساری که حتی
سیاس‌گزاری هم نمی‌کنم؛ به تو پناه می‌برم
از نمک‌شناسی‌ام؛ دورم کن از ناسیاسی‌ام.
پروردگارا! گاهی احساس می‌کنم که در
دوراهی حق و باطل سرگردانم و در
تشخیص ستمگر و ستم‌دیده، درمی‌مانم؛ پناه
می‌برم به تو، از این که روزی بفهمم یاری
رسان ستمکارم و ستم‌دیده‌ای را به حال
خودش وا می‌گذارم!

خدای من! می‌دانم که زیاده‌خواهم و همواره
آنچه را که حقم نیست، از دیگران
می‌خواهم؛ به تو پناه می‌برم از طلبکاری‌های
ناروایم؛ بریده باد دست‌هایم؛ اگر چیزی را به
ناحق طلب نمایم!

• برداشتنی آزاد از دعای هشتم صحیفه سجاده، در پناه بردن
به حق از ناملایمات.

موج‌ها به ساحل می‌آیند

حمیده رضایی(باران)

به جای «اوی من» که در آسمان است و در
زمین و بی‌شک در دل بی‌قرارم، اما این روزها
یارای گفتم از او نیست.

دریا در تلاطم بود.

تنه‌ها کنار ساحل بودند. امواج تا نزدیکی
تنه‌ها می‌رفتند و باز می‌گشتند.

تنه‌ای گفت: بیایید با امواج برویم!

دیگری گفت: اوه خدای من، منظورت
چیست؟!

اولی گفت: بیایید با امواج به سمت دریا
برویم!

آن یکی گفت: که چه، ما را چه به دریا؟

تنه گفت: هر چه باشد، آب‌ها در حرکتند

تنه‌ای نیشخند زد: حرکت؟! تو تنها یک تنه
خشکی، فراموش کردی؟

تنه گفت: پس چرا موج‌ها به ساحل می‌آیند
تنه‌ها خندیدند.

موجی دیگر پا به ساحل گذاشت. تنه با او

همراه شد موج به دریا بازگشت. تنه روی
امواج به سمت مقصدی دور در حرکت بود...